

فرق اسلام و ایمان:

در آیه گذشته , سخن از معیار ارزش انسانها یعنی ((تقوا)) در میان بود, واز آنجاکه ((تقوا)) ثمره شجره ((ایمان)) است , آن هم ایمانی که در اعماق جان نفوذ کند, در اینجا به بیان حقیقت ((ایمان)) پرداخته , چنین می گوید: ((عربهای بادیه نشین گفتند:ایمان آورده ایم ! به آنها بگو: شما ایمان نیاورده اید ولی بگوئید اسلام آورده ایم , ولی هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است))! (قالت الا عراب آمنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل الايمان في قلوبكم).

طبق این آیه تفاوت ((اسلام)) و ((ایمان)) در این است که ((اسلام)) شکل ظاهری قانونی دارد, و هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند در سلک مسلمانان وارد می شود, و احکام اسلام بر او جاری می گردد. ولی ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن قلب آدمی است , نه زبان و ظاهر او. این همان چیزی است که در عبارت گویائی در بحث ((اسلام و ایمان)) آمده است ((فضیل بن یسار)) می گوید :از امام صادق (ع) شنیدم فرمود)) :ایمان با اسلام شریک است , اما اسلام با ایمان شریک نیست (و به تعبیر دیگر هر مؤمنی مسلمان است ولی هر مسلمانی مؤمن نیست) ایمان آن است که در دل ساکن شود, اما اسلام چیزی است که قوانین نکاح و ارث و حفظ خون بر طبق آن جاری می شود.)) سپس در ادامه آیه می افزاید: ((و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید (ثواب اعمالتان را بطور کامل می دهد) و چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند)) (وان تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من اعمالكم شيئا). چرا که ((خداوند آمرزنده مهربان است)) (ان الله غفور رحيم).

جمله های اخیر در حقیقت اشاره به یک اصل مسلم قرآنی است که شرط قبولی اعمال ((ایمان)) است , می گوید: اگر شما ایمان قلبی به خدا و پیامبر(ص) داشته باشید - که نشانه آن اطاعت از فرمان خدا و رسول اوست - اعمال شما ارزش می یابد, و خداوند حتی کوچکترین حسنات شما را می پذیرد, و پاداش می دهد, حتی به برکت این ایمان گناهان شما را می بخشد که او غفور و رحیم است. (آیه)

و از آنجا که دست یافتن بر این امر باطنی یعنی ایمان کار آسانی نیست در این آیه به ذکر نشانه های آن می پردازد, نشانه هائی که به خوبی مؤمن را از مسلم , وصادق را از کاذب , و آنها را که عاشقانه دعوت پیامبر(ص) را پذیرفته اند, از آنها که برای حفظ جان و یا رسیدن به مال دنیا اظهار ایمان می کنند جدا می سازد.

می فرماید: ((مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند, سپس هرگز شک و ریبی به خود راه نداده , و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند)) (انما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله

).

آری ! نخستین نشانه ایمان عدم تردید و دو دلی در مسیر اسلام است , نشانه دوم جهاد با اموال , و نشانه سوم که از همه برتر است جهاد با انفس (جانها) است.

و لذا در پایان آیه می افزاید: ((چنین کسانی راستگویانند)) و روح ایمان در وجودشان موج می زند (اولئک هم الصادقون).

این معیار را که قرآن برای شناخت ((مؤمنان راستین)) از ((دروغگویان متظاهر به اسلام)) بیان کرده , معیاری است روشن و گویا برای هر عصر و زمان , برای جداسازی مؤمنان واقعی از مدعیان دروغین , و برای نشان دادن ارزش ادعای کسانی که همه جا دم از اسلام می زنند و خود را طلبکار پیامبر(ص) می دانند ولی در عمل آنها کمترین نشانه ای از ایمان و اسلام دیده نمی شود.

(آیه)

شان نزول:

جمعی از مفسران گفته اند که : بعد از نزول آیات گذشته گروهی از اعراب خدمت پیامبر(ص) آمدند و سوگند یاد کردند که در ادعای ایمان صادقند, و ظاهر و باطن آنها یکی است , آیه نازل شد (و به آنها اخطار کرد که نیازی به سوگند ندارد خدا درون و برون همه را می داند).